

# متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" (Révolution) با رفیق نورالدین کیانوری

مصاحبه‌ای را که در ذیل می‌خوانید مجله "رولوسیون" ارگان سیاسی - تئوریک حزب کمونیست فرانسه چند روز پیش از دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران با وی انجام داده است.

**س:** از انقلاب ایران که موفقیتی عظیم در جنبش جهانی ضد امپریالیستی بشمار می‌آید، چهار سال می‌گذرد. لطفاً بیان دگرگونی‌هایی را که این انقلاب در زمینه داخلی و در زمینه سیاست بین‌المللی به همراه آورده است را برای ما شرح دهید؟

**ج:** بدون تردید انقلاب ایران را میتوان مهمترین رویداد جهانی در سالهای آخر دهه هفتاد شمرد. اکنون، در آستانه پایان چهارمین سال زندگی جمهوری اسلامی که مهمترین محصول آن انقلاب نیرومند ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و مردمی بشمار می‌آید، هستیم. یکی از وجوه یا اهمیت انقلاب ایران همین ویژگی است که با اینکه اکنون ۴ سال از عمر آن می‌گذرد، هنوز یکی از مهمترین مسائل بین‌المللی است و نیروهای مظمی را در سراسر جهان بخود مشغول میکند. آنچه را که این انقلاب تاکنون در زمینه سیاست بین‌المللی، یعنی در مناسبات ایران با دنیای خارج انجام داده، میتوان بشرح زیرین خلاصه کرد:

۱. انقلاب ایران یکی از مهمترین پایگاه‌های جهانی را در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان، یعنی منطقه خلیج فارس در هم شکست. همه میدانند که ایران زمان رژیم شاه سرنگون شده با هزاران زنجیر به امپریالیسم جهانی و در درجه اول به امپریالیسم آمریکا وابسته بود و دولت ایران و ارتش ایران بطور همه جانبه، مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل، اجرا کننده نقشه‌های امپریالیسم آمریکا بودند و بصورت ژاندارم مقتدری در منطقه خلیج فارس عمل میکردند. اعتماد امپریالیسم جهانی به نقش رژیم شاه سرنگون شده تا این حد بود، که احتیاجی به ایجاد پایگاه‌های نظامی نیرومند متعلق به خود در منطقه احساس نمیکرد، زیرا مطمئن بود که با وجود رژیم سرسپرده و نیرومند ایران در خلیج فارس، نفت این منطقه که برای امپریالیسم جهانی اهمیت حیاتی دارد، بدون کوچکترین تهدید بسوی دنیای سرمایه‌داری جریان خواهد داشت و هر حرکت مردمی در کشورهای این منطقه همانطور که در صان شاهدش بودیم بوسیله نیروهای متجاوز رژیم شاه در هم کوبیده میشد. همانطور که میدانیم، آمریکا برای نگهداری این پایگاه با اهمیت تمام شریانیهای حیاتی اقتصادی و نظامی و تمام دستگاه دولتی ایران را در دست خود گرفته بود، ارتش ایران را با بدرن ترین جنگ افزارها مسلح کرده بود و بیش از ۵۰ هزار مستشار نظامی خود را برای اضمال حاکمیت سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی به ایران تحمیل کرده بود و ایرانیان تعلیم دیده در آمریکا را، که عد زیادی از آنها آگاهانه به خدمت امپریالیسم آمریکا درآمده بودند، در مهمترین مقامات دولتی و ارتشی مستقر ساخته بود.

البته باید یک جنبه دیگر سلطه آمریکا در ایران را بهمین اندازه

مرد توجه قرار دهیم و آن اهمیت اقتصادی ایران برای امپریالیسم جهانی و پیونده امپریالیسم آمریکا بود. میدانیم که ایران در دوران شاه، با تولید بیش از ۳۰۰ میلیون تن نفت خام در سال، دومین کشور تولید کننده نفت در ایش بود و نفت ایران، طبق قرارداد خائنانهای از طرف رژیم شاه به یک کنسرسیوم انگلیسی، آمریکائی، هلندی، فرانسوی و انگلیز شده بود. انحصارهای نفتی امپریالیستی سالیانه دهها و دهها میلیارد دلار از نفت ایران سود میبردند و انحصارهای دیگر امپریالیستی، آن سهمی را که به ایران داده میشد، از راه فروش جنگ افزار و اجناس مصرفی خود به هزار ترفند دوباره به بازارهای مالی جهان امپریالیستی باز میگرددند. کشورهای صدها امپریالیستی بازار ایران را در اختیار داشته و بیش از ۸۴ درصد تجارت خارجی ایران در دست آنان بود.

سومین جنبه سلطه آمریکا بر ایران دوران شاه، اهمیت استراتژیک کشور، برای نقشه‌های امپریالیستی در زمینه محاصره نظامی احساسات شوروی بود. همانطور که میدانیم، ایران با اتحاد شوروی در طول نزدیک به ۴ هزار کیلومتر هم مرز است و این مرز از لحاظ نزدیکی به بخشی از صدها ترین مناطق استراتژیک درون اتحاد شوروی برای امپریالیسم آمریکا اهمیت فوق العاده دارد. ایران حلقه اساسی ارتباط سیستم نظامی امپریالیستی "ناتو" با سیستم‌های نظامی امپریالیستی در جنوب و جنوب شرقی آسیا بود. ایران عضو پیمان امپریالیستی سنتو بود، که از یک طرف بوسیله ترکیه عضو دیگر این پیمان با پیمان ناتو و از طرف دیگر بوسیله پاکستان عضو سوم این پیمان "با پیمان سنتو" ارتباط پیدا میکرد. در ایران مهمترین دستگاه‌های الکترونیک جاسوسی علیه اتحاد شوروی در نزدیکی مرزهای آن کشور مستقر گردیده بود.

این بود مختصات صدها ایران دوران شاه، بعنوان یکی از مهمترین پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یکی از میدانهای قارت نواستعماری. انقلاب ایران این پایگاه را در هم کوبید و تمام حسابهای امپریالیسم جهانی را در این منطقه بسیار با اهمیت جهان در هم ریخت. در پیاده پیروزی انقلاب، قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا لغو گردید. ایران از پیمان سنتو خارج شد و در نتیجه پیمان سنتو از هم فاشید. قرارداد های خرید میلیارد ها دلاری جنگ افزار از آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی طغی شد. دهها هزار مستشار آمریکائی از ایران اخراج شدند و هزاران مستشار و ازنگر دیگر کشورهای امپریالیستی مجبور شدند، ایران را ترک گویند. نفست ایران بعنوان بزرگترین منبع درآمد ملی از دست هشت پایهای امپریالیستی بیرون کشیده شد. مقدار زیادی از قرارداد های فارتگرانسه عملی بوسیله کشورهای امپریالیستی باطل گردید. باین ترتیب فریبه نیرومندی به منافق سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی و پیوه امپریالیسم آمریکا وارد آمد. ایران از حلقه کشورهای وابسته و سرسپرده به امپریالیسم جهانی خارج شد و به جگرکشورهای غیر متعهد وارد گردید.

۲. در زمینه مسائل درون جامعه ایران، انقلاب توانست دگرگونی‌های قابل توجه بوجود آورد. انقلاب نظام سلطنتی را، که طغی دو هزار و پانصد سال در ایران برقرار بود، با یک نهیب برانداخت و راه را برای ایجاد یک نظام جمهوری بر پایه افکار و آراء عموم مردم همسوار

بقیه در صفحه ۲

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

متن کامل مصاحبه هفتگانه «رولوسیون»

بقیه از صفحه ۱

کرد . گردانندگان درجه اول نظام سلطنتی که مهمترین کارگزاران امر-  
 یا نیسه جهانی بودند، یا از ایران فرار کردند و یا اینکه در دادگاه های  
 انقلاب محاکمه و مجازات شدند . بخش عمده ای از افسران ارتش سرسپرده  
 به آمریکا از ارتش برکنار و عدای از مهمترین مهره های جنایات دوران شاه  
 اعلام گردیدند . سازمان مخوف ساواک، که ساخته و پرداخته سازمان  
 " سیا " ی آمریکا و " موساد " اسرائیلی بود، منحل گردید . مجلسی  
 شورا و سنای دوران شاه، که تنها سرسپردگان امپریالیسم جهانی در  
 آن گرد آمده بودند، از هم پاشیده شد و نمایندگان آن مانند وزیر اس-  
 بق نظام سلطنتی، از اشتغال در هرگونه مقام دولتی محروم شدند . با-  
 نکهای خصوصی که یکی از صدها ترسناکترین غارت کلان سرمایه داران  
 وابسته به رژیم شاه و امپریالیسم جهانی بودند، ملی اعلام شدند . شو-  
 تهای عظیم خاندان شاه سرنگون شده و وابستگان دربار، که اکثر آنها  
 بزرگترین مالکان و سرمایه داران کشور بودند، مصادره گردید و در اختیار  
 نهاد های انقلابی قرار گرفت، بخش مهمی از کارخانجات بزرگ ( نزدیک  
 به ۷۰ درصد ) که صاحبانشان به بانکهای دولتی و شخصی وام های  
 کلان بد هکار بودند، در اختیار دولت قرار گرفت . شورای انقلاب، بس-  
 تمحیت از خواست توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که  
 با نیروی عظیم خود، بدون جنگ افزار، انقلاب شکوهمند ایران را بس-  
 پیروزی رسانده بودند، دستة قوانین بسود زحمتکشان و در جهست  
 محدود کردن امکانات غارتگری کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان تصویب  
 کرد، قوانین مربوط به محدودیت مالکیت ارضی و واگذاری زمین های متعلق  
 به بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین، قانون ملی کردن تجار-  
 ت خارجی، قانون ملی کردن زمینهای شهری و کوتاه کردن دست سفته-  
 بازان از بخش ساختمان و نظائر اینها . این سلسله تصمیمات مثبت در  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شدند و بطور چشمگیری  
 مورد تأیید توده های میلیونی رای دهندگان به این قانون قرار گرفتند .  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سند تاریخی بسیار با اهمیت  
 است که در آن مبانی مهم عدلترین شعارهای انقلاب و جمهوری اسلامی  
 ایران یعنی تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، جا گرفته است .  
 البته در قانون اساسی نقاط ضعفی وجود دارد که در صورت چیره شدن  
 نیروهای راستگرا در خاکمیت، میتواند در جهت معکوس محتوای واقعی  
 قانون مورد سوء استفاده قرار گیرد .

این تصمیمات که بطور کلی در چهارچوب اصلاحات بورژوا دموکراتیک  
 تیک قرار داشتند، میتوانستند در صورت پیگیری و اجرا پایهای بسری  
 دگرگونیهای ژرفتر اجتماعی - اقتصادی علیه نظام غارتگر سرمایه داری بود  
 جود آورند . در دستگاه حاکمیت کشور تخفیرات بنیادی بوجود آمد .  
 نمایندگان اقشار بینابینی و روحانیت وابسته به آنان تمام مقامات کلیدی  
 دستگاههای دولتی و قضایی و قانون گذاری، جای نمایندگان طبقات  
 حاکمه کهنه جامعه سلطنتی را اشغال کردند . اینها بودند عمده ترین  
 دستاورد های انقلاب شکوهمند مردم ایران، که بخش اساسی و عمده آن  
 در همان سالهای اول و دوم پیروزی انقلاب عملی گردید و با اینکه در  
 سالهای سوم و چهارم، بر اثر یک سلسله عوامل، پیشرفت انقلاب دچار  
 کنندی و رکود شد و در زمینه های گامهایی به عقب برداشت، هنسوز  
 اثرات عمیقش در جامعه ایران وجود دارد و بعنوان یکی از عوامل عمده،  
 در درگیریهای اجتماعی دورانی که در برابر ماست، اثر خواهد گذاشت .

معنی این همه در کنار این بیلان مثبت مبارزات درونی میان نیروهایی  
 که از انقلاب ایران پشتیبانی کردند مانند نیز گسترش یافته است . سرکوب  
 بسیار شدید و اعدامهای متعدد هنوز رواج دارد . بنظر میرسد کسه  
 اقداماتی نگران کننده نسبت به حزب توده، ایران انجام میگردد .  
 آیا نمی بایست این وضعیت را در رابطه با تمایلی برخی ها به تضعیف  
 انقلاب ایران ارزیابی نمود ؟

ج : این پرسش کاملاً بجای و با اهمیتی است . واقعیت این است که در  
 انقلاب ایران طیف فوق العاده رنگارنگی از نیروهای اجتماعی، با افکار و  
 عقاید و آماجها و خواستهای گوناگون اجتماعی سیاسی و اقتصادی در  
 همه زمینهها شرکت داشتند . در یک سوی این طیف نیروهای وابسته به  
 بورژوازی لیبرال و بخش قابل ملاحظه ای از روحانیون پشتیبان آنان قرار  
 داشتند، که اهدافشان تنها در چهارچوب " محدود کردن " اختیار  
 رات شاه و کم رنگ تر کردن وابستگی به امپریالیسم جهانی جای میگرفت .  
 در سمت دیگر این طیف نیروهای انقلابی مبارزی قرار داشتند، که  
 خواستار دگرگونیهای بنیادی بسود محرومان جامعه بودند . اینها  
 خواستار آن بودند که هرگونه وابستگی به امپریالیسم ریشه کن بشود،  
 امکانات غارتگری سرمایه داران و مالکان تا حدود زیاد بسود توده ها  
 محدود شود و شعار " استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی " به معنای  
 واقعی و وسیع و ژرف آن موقوع اجرا در آید . در اینجا باید باین نکته  
 هم توجه داده شود که با کمال تأیید در میان این نیروهای انقلابی  
 از همان آغاز اوجگیری جنبش انقلابی سوء تفاهات ذهنی بسیار و  
 اختلاف نظرهای عمیق در شیوه های عمل و برداشتها و ارزیابیها وجود  
 داشت و امپریالیسم و ارتجاع با مهارت توانستند از این اختلافات بهره  
 گیری نمایند و این نیروها را در مراحل مختلف انقلاب بجان هم  
 بیندازند و مجموعه نیروهای انقلابی را به میزان قابل توجهی ناشیوان  
 سازند .

یکی از ویژگیهای انقلاب ایران این بود، که هیچ سازمان متشکسل  
 سیاسی و یا جبهه متشکل از یک سلسله سازمانهای سیاسی که برنامه  
 مشخص و مدونی برای انقلاب داشته باشد، در مقام رهبری این انفجار  
 عظیم مردمی قرار نداشت و در دست است که امام خمینی، بعنوان شخصیت  
 پر نفوذ بدون رقیب در مقام رهبری انقلاب جا گرفته بود، ولی شعارهایی  
 اساسی انقلابی امام خمینی، که در بخش تخریبی کاملاً مشخص بود و بطور  
 ساده در براندازی نظام پوسیده سلطنتی شاه، کوتاه کردن دست  
 امپریالیسم جهانی و پیروژه امپریالیسم آمریکا و ایجاد جمهوری اسلامی  
 خلاصه میشد، برنامه مشخصی برای دوران سازندگی انقلاب مطرح نمیکرد  
 و در نتیجه گروههای گوناگون، هر کدام برنامه مورد علاقه خود را در  
 چهارچوب شعار کلی " جمهوری اسلامی " که بصورت عمده ترین شعار  
 سازنده انقلاب درآمده بود، جای میدادند . با چنین آغازی میسر  
 رویدادهای بعدی انقلاب را میتوان تا حد زیادی قانونمندان دانست  
 این نقطه ضعف بسیار قوی، یعنی بدون یک سازمان و یک برنامه مدون  
 مورد توافق برای سازندگی انقلاب، میدان را برای فائز دشمنان انقلاب  
 باز میکرد و به آنان امکان میداد، که در کوتاه مدت و هم در دراز مدت  
 نقشهای شیطانی تفاق افکنانه خود را گام بگام بمورد اجرا در آورند .  
 نیروهای راستگرا، یعنی آن بخش از نیروهایی که در حقیقت خواستار  
 سازش با امپریالیسم جهانی و نگهداری پایه های نظام کهنه بزرگ مالکی  
 و کلان سرمایه داری هستند و با هرگونه دگرگونی بنیادی بسود محرومان  
 جامعه دشمنی میورزند، بوقت شدند، بطور عمده فریادهای چندی که در جریان  
 برکناری دولت بورژوا لیبرال موقت و پس از آن در جریان برکناری پانصد  
 قطب زاده و بنی صدر به آنان وارد شد، از اختلافات نظرسر میان  
 نیروهای مبارز انقلابی، آنچه میان سلطانان مبارز و نیروهای چپ دگر-  
 اندیش ( از آن جمله نیروهای راستین مارکسیست ) و چه در میان خود  
 نیروهای مبارز مسلمان، بسود حفظ مواضع خود سوء استفاده کنند، در این  
 جریان باید به اشتباهات بزرگ بخش مهمی از نیروهای ضد امپریالیست  
 و مردمی و تحریکات آن قسمت از ستون پنجم دشمن امپریالیستی کسه  
 ماسکهای " چپ " بر صورت خود زد مانند و از همان آغاز انقلاب بجای  
 اتخاذ سیاست اتحاد و انتقاد و مبارزه، سیاست رو در روی و برخورد را با  
 توده های میلیونی مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی برگزیدند، اشاره  
 کنیم . این اشتباهات آب به آسیاب نیروهای راستگرا سرازیر کرد و بسبب  
 آنها امکان داده، که در چهارچوب مبارزه با تروریسم کور، که بسبب  
 حادثه جوانان از یک سو و از طرف ستون پنجم امپریالیسم، یعنی سیا -  
 و اکینها و شاه پرستان و نظائر آنها از سوی دیگر، در جامعه ایران بسبب  
 بقیه در صفحه ۳

### متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" ...

بقیه از صفحه ۲

مورد اجرا گذاشته شده، ضربات جدی به همه نیروهای انقلابی مردمی، ام از بیرون سوسیالیسم علمی و یا آن بخشی از نیروهای مسلمان مبارز، که خواستار جدی دگرگونیهایی بنیادی بسود بحرومان هستند، وارد آورده اند. نیروهای قشری و راستگرا توانستند از این شرایط بهره گیری کنند و مبارزه علیه تروریسم کور را در ایجاد بسیار گسترده تری بصورت مبارزه با آزاد بیهای فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی، در آورند و همه دگراندیشان را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند.

بدون تردید این روش سیاسی، که در حاکمیت ایران هر روز وزن سه سنگین تری پیدا میکند، به انقلاب پنهان میرساند و موجب میشود که بخشی از نیروهای انقلابی، که هواداران پیگیر و راستین انقلاب هستند، از صحنه مبارزه برای نگهداری دستاوردهای انقلاب کنار زده شوند و در نتیجه صف نگهبانان انقلاب هر روز ناتوان تر شود. این واقعیتی است که بویژه در یک سال اخیر، یعنی در چهارمین سال زندگی انقلاب ایران، ما شاهدش هستیم. در همین اینکه اقدامات تروریستی به میزان چشمگیری ناچیز شده اند، ولی محدودیت های سیاسی در مورد آزاد بیهای فردی و اجتماعی و فشار سیاسی به دگراندیشان و بویژه به نیروهای چپ هر روز افزایش می یابد و این فشار نه تنها به آن بخشی که از عملیات تروریستی پشتیبانی کرده، بلکه به آن بخشهایی، که از همان آفساز اقدامات تروریستی را محکوم کرده و از غلط ضد امریالیستی و مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی، یعنی امام خمینی، پشتیبانی کرده، نیست وارد می آید.

حزب توده ایران از همان اولین روزهای اوچگسری جنبش انقلابی ایران، با ارزیابی درست از نیروهای شرکت کننده در انقلاب و کرایشهای آنها، سیاست پشتیبانی از خط ضد امریالیستی و مردمی امام خمینی و پیروانش را در پیش گرفت و آنرا با قاطعیت دنبال کرد، و بهمین جهت مورد دشمنی کینه توزانه دشمنان انقلاب ایران قرار گرفت.

حزب ما شعار جبهه متحد خلق را، جبهه های که همه نیروهای ضد امریالیستی و مردمی مسلمان و دگراندیشان را در برگیرد، برگزید و پیگیرانه در راه تحقق آن تلاش کرد. حزب ما با تجربه گیری از مبارزات چهل ساله انقلابی خود و با آموزش از تجربه انقلابهای مردمی در سایر کشورها سیاست اتحاد و انتقاد با همه نیروهای ضد امریالیست و هوادار حقوق محرومان را انتخاب کرد و سعی کرد تا با کمک فکری پیسه سایر نیروهای مترقی و مردمی که دچار گمراهی و اشتباه میشدند، به آنان در تصحیح اشتباهاتشان یاری رساند.

تحسین سیاسی چشمگسر " سازمان فدائیان خلق " که بخش قابل توجهی از نیروهای مبارز جوان پیرو سوسیالیسم علمی را در بر میگیرد، از مواضع سکتاریستی چپ روانه پیسه مواضع درست انقلابی و انترناسیونالیستی را میتوان اولین رویداد مهم در روند جبهه شدن بر اختلافات در جبهه نیروهای خلقی بحساب گذاشت. در یک سال اخیر اولین نطفه های توجه به اهمیت تشکیل جبهه های از نیروهای مسلمان مبارز یا همه گروهها و سازمانها و نیروهای دگراندیشان انقلابی، در میان بیروان اسلام انقلابی دیده می شود و میتوان امیدوار بود که مسیر آینده رویدادهای سیاسی در ایران و در منطقه، تشدید فشار امریالیسم جهانی برای سرکوب جنبش های انقلابی ضد امریالیستی در منطقه و آشکارتر شدن عملکرد سازشکاران و تسلیم طلبان و نقش روز افزون آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی، این نطفه را پیش از پیش تقویت نماید.

پس: جنگی که کشورها را در مقابل عراق قرار داده همچنان ادامه دارد. این جنگ تا کون قربانیان زیادی داشته و ضربات شدیدی نیز بر اقتصاد کشور وارد آورده است. شما پایان دادن به این جنگ را چگونه می بینید؟

ج: نظر شما درست است. جنگی که آتش آنرا امریالیسم آمریکایی روشن کرد و با تجاوز عهد شکنانه نیروهای عراق به یکی از حساسترین مناطق اقتصادی و سنی الجیشی میهن ما آغاز گردید و اکنون سال سوم خود را میگذراند و هنوز دورنمایی برای پایان پذیرفتن آن دیده نمیشود، تا کنون به دولت ایران و عراق خسارات انسانی و مادی بسیار سنگین وارد ساخته است. خسارات وارده از لحاظ انسانی بر دو طرف مدتهاست از مرز صد هزار نفر گذشته و خسارات مادی آن در ایران در این یک سال آن سوی مرز صد میلیارد دلار قرار گرفته است. هزینه جاری جنگ هر روز ۲۰۰۰۰ میلیون دلار از امکانات مالی ملت ایران را میلعد و بدون شک در عراق هم همینطور است. صدها هزار نفر از جوانان دو کشور، بجای فعالیت سازنده برای شکوفا کردن اقتصاد و فرهنگ میهن خود، رودرروی هم ایستاد ماند و یک دیگر را نابود میکنند.

علاوه بر این خسارات و شاید مهتر از آن خسارات، تاثیر بسیار منفی جنگ بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران است. تجاوز عراق، که به تحریک امریالیسم آمریکا صورت گرفت، پیسرا از ناتوان کردن ایران انقلابی و هدف مهم دیگر نیز داشت، یکی ایجاد دشمنی میان خلقهای ایران و خلقهای عرب هسایه و در پیامد آن، کند کردن سرعت تاثیر انقلاب ایران در کشورهای امریالیسم زده و ارتجاعی منطقه، دوم کند کردن روند گسترش و تکامل انقلاب در خود ایران. در پیامد جنگ و محاصره اقتصادی امریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران به سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته پیسه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که امریالیسم مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستیهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کندتر و کندتر کردند و آنرا به رکود کشاندند. در این چهار چوب میتوان امروز به روشنی دید، که با کمال تاسف امریالیسم آمریکا، که آتش افروز اصلی این جنگ است، به بخش زیادی از هدفهایی که با روشن کردن این آتش در برابر خود قرار داده پیسود، رسیده است.

حزب توده ایران در همین اینکه همیشه از لزوم مجبور کسردن نظامی متجاوزین عراقی به ترك زمین های اشغال شده از میهنمندان پشتیبانی کرده است، عقیده دارد که ادامه این جنگ در شرایط کنونی تنها و تنها بسود امریالیسم جهانی و صهیونیسم اسرائیل در منطقه است. امریالیسم آمریکا می کوشد که از درگیری دو کشور از بزرگترین کشورهای منطقه خلیج فارس بهره گیری کند و مواضع خود را در این منطقه هر روز مستحکمتر سازد و شرایط را برای استقرار حکومت های کامسلا وابسته بخود در این دو کشور آماده گرداند. صهیونیسم اسرائیلی هم با راهنمایی و پشتیبانی آمریکا، از این درگیری هر روز بیشتر بهره گیری میکند و فشار خود را بر مردم فلسطین و لبنان می افزاید و تجاوز جناح یتکار خود را گسترش میدهد. بی جهت نیست که هم آمریکا و هم اسرائیل و هم سایر همدستانشان در دنیای امریالیستی نیکوشند تا از همه راههای ممکن نفت بر این آتش بریزند و شعله های جنگ بین دو ملت محروم و برادر را، هر قدر ممکن است، شعله و رتر سازند.

بسیاری از دولتمردان و میثولان در حاکمیت ایران هم ایسین واقعیت تلخ و دردناک را می بینند، ولی با کمال تاسف هنوز دورنمایی برای پایان یافتن جنگ پیدا نشده است. از طرف دیگر، باید انتظار داشت که با تدارکات وسیع و همه جانبه ای که امریالیسم آمریکا در تمام منطقه اطراف خلیج فارس، از دریای مدیترانه و دریای سرخ گرفته تا پاکستان، دیده است، ادامه جنگ میان ایران و عراق و بویژه حدت پاند فن آن، وضع منطقه را بطور جدی و پیسود امریالیسم متزلزل مسازد. واقعیت مسلمی است که هدف اساسی و تخمیر ناپذیر امریالیسم آمریکا در منطقه براندازی رژیم کنونی جمهوری اسلامی و جانشین ساختن آن با یک رژیم سرسپرده به آمریکا است، امریالیسم آمریکا میکوشد با از راه فشارهای خارجی و یا از راه تحریکات داخلی در جهت مسخ حاکمیت

بقیه در صفحه ۴



## متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون"

بقیه از صفحه ۳

کنونی ایران و مسلط ساختن نیروهای راست در آن، به این هدف پرسد. ادامه جنگ، که بدون تردید موجبات ضعیف کردن ایران را دربر خواهد داشت، برای پیشرفت این نقشه جهممی امپریالیسم آمریکا شرایط هر روز مساعد تری بوجود می آورد.

بر پایه این واقعیات، حزب توده، ایران بر آن است که ادامه این جنگ با زیانهای یازهم بیشتری برای میهن ما همراه خواهد بود، و بر عکس، پایان بخشیدن به جنگ ظریف هم خساراتی و زیانهای که وارد آورده است، از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه های شیطانی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه، اثر صمیمی خواهد گذاشت مآلاً پسود انقلاب ایران و گسترش جنبش ضد امپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد.

س: بطور کلی چه دورنمای سیاسی به مردم ایران پیشنهاد میکنید؟ موضع حزب توده، ایران نسبت به نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چگونه است؟

ج: پاسخ به این پرسش دشوارتر از پاسخ به پرسش های دیگر است. ظنتم هم اینست که انقلاب ایران یکی از بخرنج ترین دورانهای خود را میگذراند. واقعیت اینست که چهارمین سال انقلاب نیروهای راستگرا در سیاست داخلی و سیاست خارجی بدو زمینه های نظامی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حملات همه جانبه خود را به دستاورد های انقلاب شدت دادند و مواضع مهمی را از دست نیروهای وفادار به انقلاب، یعنی پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی بیرون کشیدند. در مجلس شورای اسلامی، در طی این سال صدقه قابل توجهی از نمایندگانی که در گذشته در جهت خط مردمی، یعنی هواداری از دگرگونی های بنیادی پسود محرومان جامعه و محدود کردن امکان غارتگری ثروتمندان قرار داشتند، به تدریج به اردوگاه مقابل سل پیوستند. قوانینی که به نحوی از انحاء منافع طبقات استثمارگر بزرگ جامعه را مورد تهدید قرار دهد، تنها با اقلیت ناچیزی میتواند در مجلس تصویب پرسد. تازه این قوانین، اگر در مجلس تصویب پرسد، در شورای نگهبان قانون اساسی، که از قهرهای اسلامی شیعه، با انتخاب امام خمینی، برگزیده میشوند، مورد تأیید قرار نمیگیرد.

آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مطبوعاتی پیش از پیش زیر پا گذاشته میشوند و بیوزن در این زمینه نیروهای راستین چپ هر روز بیشتر زیر فشار قرار میگیرند. هرگونه فعالیت سیاسی نیروهای دگراندیش مردمی، اعم از مسلمانان چپگرا و یا پیروان سوسیالیسم علمی، غیر ممکن گردیده است. بنا اینکه طبق قوانین تصویب شده در مجلس، فعالیت احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات، تا حدود معینی مجاز اعلام شده، اما در عمل، این فعالیت بوسیله نیروهای راستگرا که در دادگاههای انقلابی مواضع کلبیدی را در دست دارند، غیر ممکن میگردد.

در زمینه سیاست خارجی، با اینکه آمریکا و اسرائیل یعنی سوان دشمنان شماره یک و شیطان بزرگ در مرکز تبلیغات قرار دارند، و در دوران اخیر فرانسه هم به آنها اضافه شده است، ولی در عمل گرایش دولت جمهوری اسلامی به توسعه مناسبات و دادوستد های اقتصادی با دنیای امپریالیستی و بیوزن با ژاپن، اروپای غربی و کشورهای وابسته به آنان، مانند ترکیه و پاکستان و نظائر آنها، بطور روز افزونی گسترش پیدا میکند.

در میدان مناسبات سیاسی با دنیای خارج، به شوری ستیزی آشکار در تبلیغات پر دامنه داخلی وابسته به حاکمیت و در تظاهرات سیاست خارجی رسمی کشور، دامن زده میشود و کوشش میشود که بسا بزرگ کردن خطر راهی شوری و کمونیسم، افکار عمومی مردم برای گس ایشهای جدید حاکمیت جمهوری اسلامی در سیاست خارجی آماده گسردد.

در زمینه اقتصادی، از یکسو در جهت تأمین عدالت اجتماعی پسود

محرومان تقریباً میتوان گفت، که هیچ اقدام اساسی و بنیادی انجام نگرفته است، ولی در مقابل گامهایی در جهت تحکیم و تقویت مواضع کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ برداشته شده و میشود. مالکانی که از ترس انقلاب گریخته بودند، به اراضی خود باز میگردند و بکند نهاد های دولتی و انقلابی زمینهای خود را از دهقانان، که در چند سال اخیر آنرا کشت میکردند، پس میگیرند. بسیاری از کارخانجاتی که در اثر بد حکاری کلان صاحبانشان به دولت، به تملک دولت درآمده بود، یکی پس از دیگری به صاحبان اولیه بازگردانده میشود. فشار گرانی سرسام آور، که در درجه اول پیامد غارتگری بی سابقه محافل سرمایه داری بزرگ است، بر روی میلیونها کارگر و دهقان و کارمند و روشنفکر و تولیدکننده گان خرده پا هر روز سنگین تر میشود. اقدامات نیروهای انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر بقاوت سرسخت محافل سرمایه داری و مدافعان و وابستگان نشان در حاکمیت و دستگاه دولتی، تا حد زیادی خنثی میشود.

به این ترتیب میتوان گفت که انقلاب در همه زمینهها دچار بحران دزونی شده است و در پیامد این بحران، ناخوشنودی توده های وسیع زحمتکش شهر و روستا هر روز شدت پیدا می کند.

ضد انقلاب داخلی و دشمنان خارجی انقلاب و به ویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل که ستون پنجم نیرومندی در داخل کشور در اختیار دارند، با تمام وسائل تبلیغاتی و سازمانهای وابسته پیخود و به کنگ بخشی از روحانیان وابسته به ارتجاع، میکوشند این ناخشنودی را در جهت ناتوان کردن انقلاب، جدا کردن مردم از نیروهای راستین هوادار پیشرفت و گسترش انقلاب، مورد بهره گیری قرار دهند. فقدان یک تشکل سیاسی - اجتماعی، که نیروهای راستین انقلاب را به صورت جبهه ای در برگیرد، نبودن تشکل سیاسی در میان پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، و وجود اختلافات جدی در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک در میان نیروهای انقلابی چپ، وجود سوء تفاهمات میان نیروهای انقلابی چپ و نیروهای پیرو خط امام خمینی، که گاهی به دشمنی های شدید می انجامد همه و همه کار را برای دشمنان انقلاب آسان میکند.

ولی در برابر این روند منفی، رشد بیداری و آگاهی انقلابی در توده های محروم شهر و روستا بیوزن در میان کارگران، روشنفکران و دهقانان بی زمین و کم زمین، عامل مهمی در جهت جلوگیری از دسانس نیروهای راستگرا و ضد انقلاب بشمار می آید.

در این شرایط، مسئولیت تاریخی سنگینی به عهده تمامی طیف نیروهای مردمی پیشرو، از پیروان اسلام انقلابی امام خمینی تا نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی است. البته سنگین ترین بخش این مسئولیت بعهده نیروهای انقلابی مسلمان است، که از نفوذ قابل توجهی در میان توده ها برخوردارند. اگر این نیروهای هوادار محرومان، نیرومندی هوادار استقلال واقعی و همه جانبه نیروهای هوادار آزادی پسرای اکثریت محروم جامعه بتوانند در این دوران سرنوشت ساز با توجه به مسئولیت تاریخی خود جبهه متحدی بوجود آورند و با تکیه به نیروی عظیم توده های زحمتکش خواستار دگرگونی های بنیادی، حمله نیرومندی راستگرا را با ناکامی روبرو سازند، بدون تردید انقلاب راه پر افتخاری را که در چهار سال پیش آغاز کرد، ادامه خواهد داد.

آنچه حزب ما بعنوان راه بیرون رفت از بحران کنونی پیشنهاد میکند، گام برداشتن در این راه، یعنی راه ایجاد یک جبهه متحد از همه نیروهای انقلابی مسلمان و نیروهای دگراندیش پیرو سوسیالیسم علمی و سایر نیروهای میهن دوست و آزاد خواه است. تنها چنین جبهه ای که در داخل کشور به نیروهای عظیم خلق متکی باشد و در صحنه جهانی، جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی همکاری نماید و از پشتیبانی بیدریغ این جبهه عظیم جهانی برخوردار شود و انقلاب ایران از آن پسود مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم جهانی بهره گیری کند، میتواند انقلاب را از بحران کنونی خارج سازد و بسوی شکوفایی هدایت نماید.